

تحلیل مقایسه‌ای ساخت گذرایی در منظومه عاشقانه «ویس و رامین» با منظومه حماسی «رستم و اسفندیار»

فرخنده زاده هفت تنانین*

دکتر شاهرخ حکمت**

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

دکتر محسن ایزدیار

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

چکیده

در این مقاله کوشش شده است با بهره‌گیری از توان فرانتش تجربی، فرایندها و مشارکان بخشهایی از منظومه غنایی «ویس و رامین» و داستان حماسی «رستم و اسفندیار» بررسی شود. روش این پژوهش تحلیلی - آماری است. یافته‌های این تحقیق عبارت است از: ۱- فرایندهای مادی زیاد در کنار فرایندهای بیانی و رفتاری در داستان رستم و اسفندیار، فضایی پرشور، حماسی و سرشار از کنش و حرکت ایجاد کرده است در حالی که فرایندهای ذهنی، وجودی و رابطه‌ای، پویایی را از منظومه ویس و رامین گرفته است تا برای بیان دغدغه‌های عاطفی و احساسات شخصی شخصیت‌های داستان مناسب باشد. ۲- در «رستم و اسفندیار»، مشارکان فعال و در «ویس و رامین» مشارکان غیر فعال، بسامد بیشتری دارد. ۳- تطابق معنایی روساخت و ژرف‌ساخت فرایندها در «ویس و رامین» نسبت به «رستم و اسفندیار» بسیار کمتر است. این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه نوع ادبی غنایی و عاشقانه بر برخی از فرایندها سایه می‌اندازد و فرایندهایی که علی‌الظاهر، تصویرساز جهان آفاقی است، در ژرف‌ساخت، دنیای درونی شاعر و ذهنیت شخصیت‌های داستان را انعکاس می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، فرانتش تجربی، تحلیل مقایسه‌ای ویس و رامین، تحلیل مقایسه‌ای رستم و اسفندیار.

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۴

* دانشجوی دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران

** نویسنده مسئول: Sh-hekmat@iau-arak.ac.ir

۱. مقدمه

دو رویکرد زبان‌شناسی صورت‌نگرا^۱ و نقش‌نگرا^۲ از زبان‌شناسی‌های مسلط دوره معاصر است. برخلاف زبان‌شناسان صورت‌نگرا، که بر ساختهای صوری زبان تأکید می‌کنند، نقش‌نگرایان به کاربرد زبان و جنبه‌های تعاملی آن در جامعه توجه دارند. انگاره دستور نقش‌نگرای نظام‌مند^۳ هلیدی^۴، که یکی از زیرشاخه‌های زبان‌شناسی نقش‌نگراست، ابزاری است کارآمد که توانایی تحلیل زبان و پدیده‌های آن را دارد و به دلیل متن‌محور بودن از این قابلیت برخوردار است که در سبک‌شناسی متون ادبی از آن بهره گرفته شود. از فراتر از تجربی^۵، که یکی از لایه‌های معنایی در دستور نقش‌نگرای هلیدی است، چنین استنباط می‌شود، انتخاب نوع هر فرایند^۶ با توجه به معنا و هدفی کاربردی صورت می‌گیرد که گوینده و نویسنده در پی آن است. هلیدی و متیسن بر این باورند که تغییر موضوع، باعث تغییر متن و تغییر نوع و میزان بسامد فرایندها در هر اثر می‌شود؛ برای نمونه، فرایندهای بیانی^۷ در متون خبررسانی و فرایندهای مادی^۸ در متونی که حاوی دستورات عملی هستند، وجه غالب به شمار می‌روند (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴، ۱۷۴). در این پژوهش برآنیم تا براساس انواع فرایندها و نیز مشارکان آنها بخشی از دستور تجربی فردوسی و نیز دستور طبیعی فخرالدین اسعد گرگانی را ارزیابی و تحلیل کنیم. متنهایی شامل ۱۷۸۰ واژه از داستان رستم و اسفندیار و ۱۷۸۰ واژه نیز از داستان ویس و رامین به عنوان پیکره بر حسب تصادف انتخاب شده است. هم چنین به منظور از بین بردن اختلافات سبکی، هر دو پیکره از سبک خراسانی برگزیده شده است. هدف از پژوهش این است تا آشکار شود، تغییر نوع ادبی بر نوع و فراوانی فرایندها و مشارکان آن نوع ادبی چه تأثیری دارد. در واقع این پژوهش در پی یافتن پاسخی مناسب برای پرسشهای زیر است:

۱. از میان شش فرایند اصلی و نیز مشارکان مربوط به آنها، کدام یک بیشترین بسامد را در هر یک از متون به خود اختصاص داده است؟
۲. فراوانی زیاد هر کدام از این فرایندها و نیز مشارکان مربوط به آنها با گفتمان^۹ هر کدام از این متون چه مناسبتی دارد؟
۳. آیا بین روساخت و ژرف‌ساخت فرایندها و بندها، تفاوتی هست؟

تحلیل مقایسه‌ای ساخت گذرایی در منظومه عاشقانه «ویس و رامین» با منظومه حماسی «رستم»...

۲. پیشینه پژوهش

تا کنون مطالعات بسیاری در باره داستان «ویس و رامین» و هم چنین داستان «رستم و اسفندیار» صورت گرفته است. پژوهش‌های قابل توجهی نیز در زمینه انواع ادبی در ایران انجام شده است.

مایکل هلیدی و رقیه حسن از برجسته‌ترین زبان‌شناسان نقشگرایی هستند که فرایندها را معرفی و بررسی کرده‌اند، البته این دو از دیدگاه تأثیر فرایندها بر انسجام متن به مقوله فرایندها پرداخته‌اند. چورا^{۱۰} (۲۰۱۳)، در پژوهش خود به تحلیل افعال دو مفعولی از دیدگاه دستور نقشگرایی نظام‌مند پرداخته است. وی بسامد فرایندهای ششگانه را از دید فرانش تجزیه در گونه خاص رشته پزشکی ارزیابی کرده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فرایندهای رفتاری^{۱۱} و وجودی^{۱۲} اصلاً در این پیکره وجود ندارند؛ زیرا تنها افعال دو مفعولی هستند که شامل دو جزء تکمیلی هستند در حالی که فرایندهای رفتاری و وجودی ذاتاً نمی‌توانند شامل سه مشارک باشند. فرایندهای رابطه‌ای^{۱۳} ۴۹/۷ درصد، پربسامدترین و فرایندهای مادی با ۴۱/۶۵ درصد در رتبه دوم فراوانی قرار دارند. نویسنده درباره توضیح فراوانی فرایندهای رابطه‌ای در این پژوهش، معتقد است این فرایندها برای تعریف یا توصیف متغیری خاص مانند روند یک آزمایش کارایی دارند. این فرایندها هم چنین به عنوان ابزار ایجاد رابطه میان دو پدیده یا شیء در رشته پزشکی عمل کرده‌اند. چورا فرایندهای مادی را برای توصیف فعالیتهای پژوهشگران مؤثر می‌داند. فراوانی فرایندهای بیانی در این پژوهش، بسیار کم (۵/۵۷٪) و نشان‌دهنده ارتباطهای کلامی بین محققان و پزشکان و نیز گفتگوهای پژوهشگران و بیماران است. بیان یافته‌های مربوط به بخشهای قبلی تحقیق به منظور تأیید اعتبار تحقیقات جدید از دیگر کاربردهای غیررایج فرایندهای بیانی در این پژوهش است. کافارل و مارتین^{۱۴} (۲۰۰۴) از بین زبانهای اروپایی، آسیایی و استرالیایی به توصیف گرامری هشت زبان بر اساس دستور نقشگرایی نظام‌مند می‌پردازند؛ زبانهایی که هنوز تعریف دقیقی از آنها بر مبنای این رویکرد ارائه نشده است. توصیفهای این دو محقق، همه بر اساس شواهد گفتمانی متعدد صورت گرفته است. تامپسون (۲۰۱۴: ۱۹-۱۷) به منظور نشان‌دادن تحلیل گذرایی^{۱۵} در متون، چهار متن کوتاه را ارزیابی کرده است. وی از بررسی افعال در این پیکره‌ها چنین نتیجه می‌گیرد که فرایند اصلی در

۱۱۳



فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۷، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۹۹

توصیف نوشیدنی، عمدتاً رابطه‌ای شاخصی و از نوع مالکیتی است که باعث تمایز این نوشیدنی از دیگر نوشیدنیها می‌شود. در متن حاوی دستورالعمل غذایی، فرایندها تقریباً همه مادی و از نوع تغییری هستند. الگوی گذرایی در متن سوم، عمدتاً رابطه‌ای و از نوع شناسایی است. به کمک این نوع از فرایندهای رابطه‌ای، وضعیت جوی در ایالات متحده آمریکا در مقایسه با دیگر پدیده‌های مشابه، توصیف و تفسیر شده است. چارچوب گذرایی در آخرین متن، که داستانی است، ترکیبی از فرایندهای مادی و ذهنی^{۱۶} است. روایت به تفاوت آنچه در دنیای ذهن شخصیت‌هایی همچون سیسیلیا می‌گذرد با آنچه در عالم واقع رخ می‌دهد، می‌پردازد.

در ایران نیز برخی از متون علمی و ادبی با این رویکرد، بررسی سبک‌شناسی شده است. آقاگلزاده و همکاران (۱۳۹۰) پس از استخراج فرایندهای دو داستان کوتاه از جلال آل‌احمد و نیز دو داستان کوتاه صادق هدایت، دریافته‌اند که به دلیل نگاه واقع‌گرایانه جلال آل‌احمد به مسائل، فرایندهای مادی از فراوانی بیشتری برخوردارند؛ این در حالی است که آثار هدایت از توجه او به انسان به صورت فردی و نیز نگاه خاص او به ویژگی‌های انتزاعی شخصیت‌هایی حکایت می‌کند که وی در داستانش برگزیده است. ایرانزاده و مرادی (۱۳۹۴) به تحلیل شعر «یادداشت‌های درد جاودانگی» قیصر امین‌پور بر مبنای این رویکرد پرداخته‌اند. آنها معتقدند که امین‌پور با ذکر مصداق‌های روزمره زندگی معاصر در ساختارهای مادی و ملموس در بیان آلام و اندیشه‌های ذهنی خود سعی می‌کند. منشی‌زاده و الهیان (۱۳۹۴)، افعال هفت باب ابتدایی گلستان را واکاوی کرده و پس از تعیین بسامد آنها دریافته‌اند که به دلیل توجه نکردن سعدی به بود و نبوده‌ها و یا توصیف‌های شاعرانه، کاربرد افعال وجودی و یا ذهنی در این اثر کمتر است؛ اما در مقابل به دلیل نگاه ویژه نویسنده گلستان به تعلیم و ارشاد و تعاملات انسانی، بسامد فعل‌های رفتاری در این اثر زیاد است. در دهه اخیر نیز چندین مقاله در ارتباط با موضوع این پژوهش یعنی فرانشس تجربی به نگارش در آمده است که از گرایش نویسندگان آنها به بهره‌گیری از یافته‌ها و دستاوردهای مکاتب زبان‌شناسی نوین در تحلیل متون حکایت می‌کند. در اینجا برای پرهیز از اطاله کلام، تنها به ذکر نام آنها بسنده می‌شود: « بررسی تجربه‌های عرفانی در تمهیدات براساس فعل با تأکید بر رویکرد نقشگرا» از صمدیانی (۱۳۹۵)، « سبک‌شناسی غزلیات حافظ براساس فعل،

تحلیل مقایسه‌ای ساخت گذرایی در منظومه عاشقانه «ویس و رامین» با منظومه حماسی «رستم...»

رویکردی نقشگرا» از امیرخانلو (۱۳۹۴)، « بررسی و تحلیل سبک‌شناختی فعل در غزل‌های تعلیمی سعدی با رویکرد زبان‌شناسی نقشگرا» از ایشانی و نظیف (۱۳۹۴)، « بررسی عاملیت زنان از نگاه گفتمان‌های سیاسی دهه ۸۰، تحلیل ساخت گذرایی» از نظر زاده (۱۳۹۱)، « بررسی انواع فرایندهای نقش اندیشگانی در غزلیات سعدی (با رویکردی شناختی)» از مشهور و فقیری (۱۳۹۴) و « تحلیل گفتمانی شعر «پیغام ماهیها» از سهراب سپهری» از فرهنگی (۱۳۸۵).

همه پژوهشهایی که تاکنون بر مبنای این چارچوب نظری انجام شده غالباً مطالعه موردی درباره برخی از متون بوده است. تازگی این تحقیق، بررسی مقایسه‌ای بین دو منظومه ویس و رامین از نوع ادبی غنایی و داستان رستم و اسفندیار از نوع ادبی حماسی با استفاده از ساخت گذرایی است.

۳. ملاحظات نظری

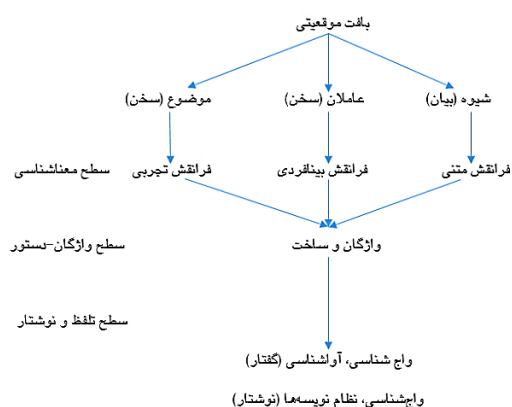
۳-۱ معرفی اجمالی دستور نقشگرای نظام‌مند هلیدی

هلیدی سه بافت فرا فرهنگی^{۱۷}، بافت فرهنگی^{۱۸} و بافت موقعیت^{۱۹} را مطرح می‌کند؛ اما در SFG^{۲۰} بر بافت آخری تأکید می‌کند. منظور از بافت موقعیت، زمینه‌ای است که متن در آن آفریده و فهمیده می‌شود. عوامل سازنده بافت موقعیت سه چیز است: موضوع سخن^{۲۱}، عاملان سخن^{۲۲} و شیوه بیان^{۲۳}.

در رویکرد نقشگرای نظام‌مند، شیوه بازنمایی عوامل بافت موقعیت در زبانهای بشری چنین است: در این دستور، معنی‌شناسی^{۲۴} یعنی تبدیل بافت موقعیت به مفهوم^{۲۵}. هم چنین در چارچوب این نظریه، تمام زبانها براساس سه فرانتش عمل می‌کنند: فرانتش متنی^{۲۶}، فرانتش بینافردی و فرانتش تجربی. شیوه و چینش سخن در فرانتش متنی، عاملان سخن در فرانتش بینافردی^{۲۷} و موضوع سخن در فرانتش تجربی بازنمایی می‌شود؛ به عبارتی دیگر با ردگیری نشانه‌های زبانی می‌توان دریافت که در بافت موقعیت چه پیش آمده است و بدین گونه شنونده یا خواننده متن خواهد توانست بافت موقعیت را در ذهن خود بازسازی کند؛ پس از آن، معانی و مفاهیم فرانتشهای تجربی، بینافردی و متنی در سطح دوم زبان یعنی سطح واژگان- دستور تحقق می‌یابد. در مرحله بعد در نظام واجی (سطح تلفظ و نوشتار) آنچه در مرحله پیشین به صورت

واژگان- دستور شناسه‌گذاری شده است به صورت نظام گفتاری و یا نوشتاری بازنمایی می‌شود (هلیدی، ۲۰۱۴: ۳-۵۷).

دبیرمقدم انگاره نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی را این‌گونه ترسیم کرده است:



انگاره دستور نقش‌گرای نظام‌مند، دبیرمقدم، ۱۳۹۶: ۳۹

لازم به ذکر است در دستور نقش‌گرا، بند ۲۸ به عنوان واحد ساختاری برای نشان دادن هر یک از فرانشها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۳-۲ فرانش تجربی

محتوای تجربه‌ای که گوینده به شنونده منتقل می‌کند، در فرانش تجربی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این تجربه می‌تواند به تجربیات عوالم درونی فرد مربوط باشد؛ مانند دوست داشتن، بیزاربودن و... و یا می‌تواند شامل تجربه‌ها و مشاهداتی باشد که آدمی از عالم بیرون دریافته است؛ مانند نوشتن، آمدن و... مفهوم کلیدی در فرانش تجربی، گذرایی است. تامپسون^{۲۹} (۲۰۱۴) معتقد است در دستور نقش‌گرای نظام‌مند، گذرایی هر بند براساس سه عامل معنایی است: ۱- فرایند، ۲- مشارک^{۳۰} / مشارکان و ۳- افزوده / افزوده‌های حاشیه‌ای^{۳۱}؛ این بدان معناست که برای تشخیص انتخابهای گذرایی هر متن باید گام‌به‌گام به دنبال پاسخ به این سه پرسش باشیم: ۱. نوع معنایی فرایند آن بند چیست؟ ۲. چه مشارک / مشارکانی در آن بند به‌کاررفته است؟ ۳. چه تعداد افزوده حاشیه‌ای در آن بند به‌کار رفته است و درچه معنایی؟ (تامپسون، ۲۰۱۴: ۱۳۲).

تحلیل مقایسه‌ای ساخت گذرایی در منظومه عاشقانه «ویس و رامین» با منظومه حماسی «رستم...»

مهمترین عنصر هر بند در فرانقش تجربی، فرایند است؛ اما وجود افزوده حاشیه‌ای - که دربردارنده اطلاعاتی درباره زمان، مکان، شیوه وقوع و.. هر رویداد است - اختیاری است. مهاجر و نبوی می‌گویند فرایندها به تناسب نوع و معنایی که دارند، می‌توانند یک، دو و یا سه مشارک داشته باشند. آنان این فرایندها را براساس تعداد مشارکی که برمی‌گزینند، فعلهای یک ارزشی، دو ارزشی و سه ارزشی می‌نامند؛ برای نمونه، فرایند «مردن» یک مشارک می‌پذیرد و یک ارزشی است؛ اما فرایند «دادن»، که پذیرای سه مشارک است، فرایندی سه ارزشی به حساب می‌آید (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۴۲).

۳-۳ انواع فرایندها و مشارکان در فرانقش تجربی

هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) براساس نظام گذرایی، فرایندها را به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم می‌کنند:

۳-۳-۱ فرایندهای اصلی

۱) **فرایندهای مادی**: منظور از فرایندهای مادی، فرایندهایی است که یا شامل کنشهای فیزیکی^{۳۲} است؛ مانند **دویدن**، **پرتاب کردن** و یا بیانگر کنشهای انتزاعی^{۳۳} است؛ مانند **منصرف کردن** و یا رخداد واقعه‌ای را نشان می‌دهد مانند **طلوع کردن**. درواقع این فرایندها تجربه و رخدادهای جهان بیرون را به تصویر می‌کشد. مشارک اصلی بندهای مادی، انجام‌دهنده عمل است و با برچسب **کنشگر**^{۳۴} مشخص می‌شود. هلیدی و متیسن (۲۰۱۴: ۲۲۴)، معتقدند، این مشارک همان منبع انرژی و یا فاعل منطقی^{۳۵} است که باعث تغییرات می‌شود. در مورد فعلهای لازم، تنها وجود این کنشگر ضروری است؛ اما در صورتی که فعل متعدی باشد، وجود مشارک دیگری الزامی است که با نام کنش‌پذیر یا **هدف**^{۳۶} برچسب می‌خورد. هدف، گروهی اسمی است که کنشگر یا بر آن تأثیر می‌گذارد و یا آن را تغییر می‌دهد.

۲) **فرایندهای ذهنی**: این فرایندها نه کنشی را بیان می‌کند و نه وقوع حادثه‌ای را در دنیای بیرون نشان می‌دهد؛ بلکه آشکارکننده اندیشه، دنیای درونی و دریافتهای ذهنی فرد است. در این فرایند، همیشه دو مشارک هست که یکی از آنها ذی‌روح و غالباً انسان است و این فرایند در ذهن او رخ می‌دهد. این مشارک، که با نام **حسگر**^{۳۷}

برچسب می‌خورد، می‌تواند حس کند؛ بیندیشد و تجربه کسب کند. مشارک دیگر در این فرایند، پدیده^{۳۸} است که همچون محرک، باعث دریافت حس در حسگر می‌شود.

۳) فرایندهای رابطه‌ای: از این فرایندها برای نسبت دادن ویژگیها و صفتها، شناسایی و دسته‌بندی استفاده می‌کنیم. شاخصترین فعلهای این دسته، فعلهای ربطی نظیر «است، بود، شد، گشت و گردید» است. نقش این فرایندها، ارتباط بین دنیای درون و بیرون است و چگونگی بودن چیزی را بیان می‌کنند.

فرایندهای رابطه‌ای به دو صورت کاربرد دارد: در بندهای رابطه‌ای شاخصی^{۳۹} و در بندهای رابطه‌ای شناسایی^{۴۰}. در بندهای رابطه‌ای شاخصی، شاخص^{۴۱} صفت یا اسمی نکره است که آن را به چیزی نسبت می‌دهد که حامل^{۴۲} نامیده می‌شود.

مشارکان بندهای رابطه‌ای شناسایی، شناسا^{۴۳} و شناخته^{۴۴} است. منظور از شناسا، مشارکی است که هویت مشارک دیگر یعنی شناخته را تعیین می‌کند و منظور از شناخته، مشارکی است که هویتش به کمک مشارک شناسا تعیین می‌شود.

علاوه بر این سه فرایند اصلی، سه فرایند فرعی نیز هست که در مرز فرایندهای اصلی قرار می‌گیرد.

۲-۳-۳ فرایندهای فرعی

۱) فرایندهای بیانی: تامپسون (۲۰۱۴: ۱۰۸-۱۰۶) بر این باور است که فرایندهای بیانی حدّ فاصل فرایندهای ذهنی و مادی است. همه فرایندهایی نظیر «پرسیدن، توضیح دادن»، که در آنها به نوعی مفهوم «گفتن» نهفته است، فرایند بیانی به شمار می‌رود. گوینده^{۴۵}، مشارکی است که در هر فرایند بیانی دخیل، و معمولاً انسان است؛ هرچند انواع دیگر گوینده نیز امکان انتقال پیام را دارند. گفته^{۴۶} یا پیام، مشارک دیگر این فرایند است و به شکل گروه حرف اضافه‌ای، گروه اسمی و یا بند جدا صورت‌بندی می‌شود. مشارک احتمالی دیگر در این فرایند، که معمولاً انسان است، مشارکی فعال است که مورد خطاب گوینده است و با گروه حرف اضافه‌ای در بند ظاهر، و با برچسب مخاطب یا گیرنده^{۴۷} از مشارکان دیگر تمایز داده می‌شود.

۲) فرایندهای رفتاری: فرایندهای رفتاری در مرز میان فرایندهای ذهنی و مادی قرار دارد. هیلیدی و متیسن (۲۰۱۴: ۳۰۱) عقیده دارند که این فرایندها، افعالی هستند که به

تحلیل مقایسه‌ای ساخت گذرایی در منظومه عاشقانه «ویس و رامین» با منظومه حماسی «رستم»...

رفتار فیزیولوژیکی و روانشناختی انسان مربوط است؛ مثل لبخندزدن، اخم کردن. تشخیص این نوع فرایندها از دیگر فرایندها دشوار است؛ زیرا آنها هم ویژگیهای فرایندهای مادی را از خود نشان می‌دهند و هم ویژگیهای فرایندهای ذهنی را. تنها مشارک این فرایند، رفتارگر^{۴۸} است؛ یعنی کسی که از او رفتاری سرمی‌زند. هلیدی و متیسن برای فرایندهای رفتاری به لحاظ قرابت معنایی با فرایندهای دیگر، چند دسته‌بندی در نظر می‌گیرند: ۱. فرایندهای فیزیکی که با عدم هوشیاری همراه است و به نوعی غیرارادی به شمار می‌رود؛ مانند غش کردن ۲. فرایندهای نزدیک به فرایندهای بیانی یعنی افعالی که بیانگر رفتارهایی است که با کلام همراه است؛ مانند پیچ کردن. ۳. فرایندهایی که به فرایندهای ذهنی نزدیک است؛ اما برخلاف آنها دربردارنده نوعی از رفتار ارادی است؛ مانند نگران بودن و زل زدن. ۴. فرایندهایی که ارادی انجام می‌گیرد و از نظر روانشناختی تا حدودی بیانگر حالتی از هوشیاری است؛ مانند خندیدن و نیشخند زدن (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۳۰۲). می‌بینیم که دو مورد ۳ و ۴ به فرایندهای ذهنی نزدیک است.

۱۱۹ فصلنامه پژوهشهای ادبی سال ۱۷، شماره ۶۸، تابستان ۱۳۹۹

۳) **فرایندهای وجودی:** این فرایندها در حد فاصل فرایندهای رابطه‌ای و مادی قرار دارد و گاه با فعلهای ربطی مثل است و بود اما با معنای «وجود داشتیم» ظاهر می‌شود و گاه مانند افعال مادی نظیر **اتفاق افتادن** و **پدیدآمدن**، حادث شدن رخدادی را نشان می‌دهد. تنها مشارک این فرایند، **موجود**^{۴۹} است.

در ادامه باید یادآور شد که از دیدگاه هلیدی، مشارکان به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم می‌شود. در بندهای پیشین تعریف مشارکان اصلی هنگام بررسی فرایندها آمده است. مشارکان فرعی نیز به دو دسته **بهره‌ور**^{۵۰} و **بُرد**^{۵۱} تقسیم می‌شود که ما به دلیل اختصار در کلام، جزئی‌نگری و تقویت علمی این مقاله از پرداختن به این مشارکان صرف نظر می‌کنیم. علاوه بر این تامپسون معتقد است که تشخیص این مشارکان فرعی با قطعیت همراه نیست و گاه با مشارکان اصلی همپوشانی دارد (تامپسون، ۲۰۱۴: ۱۱۲)؛ به عنوان نمونه در جمله «مادرم برایم ماجرای ترسناکی تعریف کرد.» با توجه به **تعریف بهره‌ور** می‌بینیم که مشارک فرعی بهره‌ور با مشارک اصلی مخاطب در بندهایی با فرایندهای بیانی بر هم منطبق می‌شود^{۵۲}.

۴. تجزیه و تحلیل منظومه‌های «ویس و رامین» و «رستم و اسفندیار» بر اساس ساخت‌گذاری

در این پژوهش، اساس کار نگارنده، نقش تجربی زبان و بررسی انواع فرایندها و مشارکان وابسته به آنها در دو اثر حماسی و غنایی بنا بر نظریه هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) و تامپسون (۲۰۱۴) است؛ در این راستا، ابیات ۹۹۳ تا ۱۱۵۵ از کتاب «رزمنامه رستم و اسفندیار» با شرح شعار و انوری و برای اثر غنایی ۱۴۹ بیت از ویس و رامین با تصحیح تودوا و گواخاریا مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. ابیات مد نظر برای پیکره دوم از میانه ص ۹۳، بخش «دیدن رامین، ویس را و عاشق شدن بر وی» تا میانه ص ۱۰۲، است. این دو پیکره مساوی، که تصادفی انتخاب شده، هر کدام شامل ۱۷۲۰ واژه است. آن گونه که هلیدی، بند را کوچکترین واحد متن در نظر می‌گیرد، ما نیز ابتدا هر پیکره را به بندهای سازنده آن، و پس از آن بر مبنای ساخت‌گذاری آن بندها را به اجزای سازنده آن یعنی فرایندها، مشارکان و افزوده‌های حاشیه‌ای تقسیم کرده‌ایم. فرایندهای هر بند ابتدا از جهت روساخت و پس از آن از لحاظ ژرف‌ساخت، ارزیابی و تحلیل شده است. در گام بعدی، مشارکان اصلی بندها نیز از جهت آماری مورد تحلیل قرار گرفته؛ اما برای پرهیز از اطاله کلام، تحلیلی در مورد افزوده‌های حاشیه‌ای این پیکره‌ها صورت نگرفته است. در ادامه پیش از بررسی داده‌ها برای هر فرایند و مشارکان وابسته به آن فعل، بیتی به عنوان شاهد ذکر شده است.

۱) **فرایند مادی:** در بند دوم از بیت ذیل «بر دریدی»، فرایند مادی، «او یا ویس»، کنشگر و «تن»، هدف است.

هر آن گاهی که موبد را بدیدی به جای جامه، تن را بر دریدی
(اسعد گرگانی، ۱۳۴۹: ۳۲)

۲) **فرایند ذهنی:** در مثال زیر، «شگفت همی‌ماند»، فرایند ذهنی، «او یا رستم»، حسگر و «کار گیتی» پدیده است:

گذشت از لب رود و بالا گرفت همی‌ماند از کار گیتی، شگفت
(شعار و انوری، ۱۳۸۳: ۱۰۰۹)

تحلیل مقایسه‌ای ساخت گذرایی در منظومه عاشقانه «ویس و رامین» با منظومه حماسی «رستم...»

۳/۱) فرایند رابطه‌ای شاخصی: در مثال زیر «شد»، فرایند رابطه‌ای شاخصی است و تنها مشارک واقعی این بند «آن یا همان رخس رخشان» است که حامل نامیده می‌شود و ویژگی «بیگانه» شاخص آن است:

همان رخس رخشان سوی خانه شد چنین با خداوند، بیگانه، شد

(شعار و انوری، ۱۳۸۳: ۱۱۲۸)

۳/۲) فرایند رابطه‌ای شناسایی: در نمونه زیر، فعل «بود» در مصرع اول از نوع فرایند رابطه‌ای شناسایی، و «نامش» شناخته و «نوش آذر» شناسای آن است؛ این در حالی است که فعل محذوف «بود» در مصرع دوم از نوع شاخصی است و «او یا جوانی» حامل و «سرافراز و جنگاور و شادکام» شاخص آن به شمار می‌رود:

جوانی که نوش آذرش بود، نام سرافراز و جنگاور و شادکام [بود]

(شعار و انوری، ۱۳۸۳: ۱۰۸۱)

۴) فرایند بیانی: در نمونه زیر «گفت» فرایندی بیانی، و «او یا اسفندیار»، گوینده، «رستم»، مخاطب و «چنین» یا همان عبارت «ای بدنشان، چنین بود پیمان گردنکشان»، گفته این فرایند است:

به رستم چنین گفت کای بدنشان چنین بود پیمان گردنکشان

(شعار و انوری، ۱۳۸۳: ۱۰۹۸)

۵) فرایند رفتاری: در نمونه زیر، «بگریستی» و «ناله زدی» فرایندهای رفتاری، و در هر دو بند، «او = ویس» رفتارگر است:

گهی بگریستی بر یاد شهرو گهی ناله زدی بر درد ویرو

(اسعد گرگانی، ۱۳۴۹: ۲۵)

۶) فرایندهای وجودی: در نمونه زیر «بود» فرایند وجودی و «این نشاط گونه گون» تنها مشارک آن یعنی موجود است:

چو در شهر این نشاط گونه گون بود سرای شاه خود دانی که چون بود

(اسعد گرگانی، ۱۳۴۹: ۱۰)

۴-۱ بررسی روساختی فرایندها

در این بخش براساس تعاریفی که در بخش مباحث نظری تحقیق از انواع فرایندها و مشارکان ارائه شد به بررسی انواع فرایندهای پیکره‌های برگزیده از داستانهای رستم و



اسفندیار و ویس و رامین پرداخته می‌شود. مجموع فرایندهای ششگانه پیکره «ویس و رامین» ۳۲۹ مورد است که به تفکیک در جدول ذیل آمده است:

جدول (۱) فراوانی و درصد فراوانی فرایندها در «ویس و رامین»

نوع فرایند	مادی	ذهنی	رابطه‌ای	رفتاری	بیانی	وجودی
فراوانی	۱۴۴	۳۷	۸۷	۲۱	۹	۳۱
درصد فراوانی	۴۳/۷۶	۱۱/۲۴	۲۶/۴۴	۶/۳۸	۲/۷۳	۹/۴۲

در این بخش براساس تعاریفی که در بخش مباحث نظری تحقیق از انواع فرایندها و مشارکان ارائه شد به بررسی انواع فرایندهای پیکره‌های برگزیده از داستانهای رستم و اسفندیار و ویس و رامین پرداخته می‌شود. مجموع فرایندهای ششگانه پیکره «ویس و رامین» ۳۲۹ مورد است که به تفکیک در جدول ذیل آمده است:

برای بررسی وجود تفاوت معنادار میان این فرایندها از آزمون آماری کای اسکوئر استفاده شده است. نتیجه آزمون کای اسکوئر در جدول زیر آمده است:

جدول (۲) نتایج آزمون کای اسکوئر - بررسی معنادار فرایندها در ویس و رامین

فرایندها	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار	باقیمانده	آماره	درجه آزادی	پی مقدار
مادی	۱۴۴	۵۴/۸	۸۹/۲	۲۳۹/۲۱۳	۵	۰/۰۰۰۱
ذهنی	۳۷	۵۴/۸	-۱۷/۸			
رابطه‌ای	۸۷	۵۴/۸	۳۲/۲			
رفتاری	۲۱	۵۴/۸	-۳۳/۸			
بیانی	۹	۵۴/۸	-۴۵/۸			
وجودی	۳۱	۵۴/۸	-۲۳/۸			
مجموع	۳۲۹					

بر اساس نتایج آزمون جدول شماره (۲) مبنی بر میزان پی ۰/۰۰۰۱ فرض صفر آزمون رد می‌شود و با توجه به رد فرض صفر با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که تفاوت فرایندهای این اثر معنادار است و تصادفی نیست.

تحلیل مقایسه‌ای ساخت گذرایی در منظومه عاشقانه «ویس و رامین» با منظومه حماسی «رستم»...

فرایند مادی ۴۳/۷۶٪ از کل فرایندهای این پیکره را به خود اختصاص داده و پربسامدترین فرایند است در حالیکه فرایندهای ذهنی ۱۱/۲۴٪ و فرایندهای رفتاری ۶/۳۸٪ از مجموع فرایندهای این مجموعه را به خود اختصاص داده (در مجموع ۱۷/۶۲٪). برای بیان بهتر احساسات شخصیت‌های داستان مناسبتر است. شاید علت کاربرد فراوان فرایند مادی در این اثر به ویژگی سبک خراسانی مربوط باشد؛ این سبک دوره‌ای اساساً واقعگرا بوده و شرح مآووقع بیرونی و بیان اتفاقات محسوس از ویژگیهای برجسته آن است.

پس از فرایندهای مادی، فرایندهای رابطه‌ای بسامد زیادی در این داستان دارد. بسامد این نوع فرایند ۲۶/۴۴٪ است. این فرایندها، که برای توصیف، شناساندن و اسناد دادن کارایی دارد، توان خوبی برای بیان درونیات شخصیت‌های داستان دارد و می‌تواند احساسات و عواطف آنها را بخوبی توصیف کند. از بین ۸۷ فرایند رابطه‌ای در این پیکره ۸۵ فرایند، رابطه‌ای شاخصی، (۹۷٪/۷ از رابطه‌ای‌ها) و تنها دو فرایند نیز، رابطه‌ای شناسایی است (۲٪/۳ از رابطه‌ای‌ها). از این آمار استنباط می‌شود که اسنادهای ساده بیشتر مورد نظر فخرالدین اسعد گرگانی بوده است.

فرایندهای وجودی ۹/۴۲٪ از فرایندهای این داستان را به خود اختصاص داده است. به دلیل ویژگیهای مشترک این فرایند با فرایندهای رابطه‌ای در برخی از متون پژوهشی همچون مقاله مهرابی و ذاکر (۱۳۹۵) این فرایندها در زمره فرایندهای رابطه‌ای قلمداد می‌شود. در اینجا نیز از تجمیع سه نوع فرایند ذهنی، رابطه‌ای و وجودی به آماری حدود ۴۷/۱۱٪ دست می‌یابیم که کمترین توان کنشگری را دارد. این فرایندها از یک سو، پویایی و تحرک را از منظومه «ویس و رامین» می‌گیرد و از سوی دیگر مجال فراهم می‌کند تا اثر برای بیان دغدغه‌های عاطفی و احساسات درونی شخصیت‌های داستان متناسب باشد.

کم‌بسامدترین فرایند در این پیکره، فرایند بیانی است. با توجه به اینکه انزوا و تنهایی از ویژگیهای داستانهای عاشقانه است، عرصه و مجال قابل تأملی برای خلق تعامل و گفتگو در پیکره مورد بحث پیش نیامده است.

مجموع فرایندهای ششگانه در پیکره «رستم و اسفندیار» ۳۳۲ مورد است که به تفکیک در جدول و نمودار زیر آمده است:



جدول (۳) فراوانی و درصد فراوانی فرایندها در داستان «رستم و اسفندیار»

نوع فرایند	مادی	ذهنی	رابطه‌ای	رفتاری	بیانی	وجودی
فراوانی	۱۷۷	۳۲	۶۸	۱۰	۳۷	۸
درصد فراوانی	۵۳/۳۱	۹/۶۳	۲۰/۴۸	۳/۰۱	۱۱/۱۴	۲/۴۰

نتایج آزمون آماری کای اسکوئر برای بررسی تفاوت معنادار میان فرایندها در داستان رستم و اسفندیار در جدول زیر آمده است:

جدول (۴) نتایج آزمون کای اسکوئر - مقایسه درونی اثر رستم و اسفندیار

فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار	باقیمانده	آماره	درجه آزادی	پی مقدار	فرایندها
۱۷۷	۵۵/۳	۱۲۱/۷	۳۶۳/۹۶۴	۵	۰/۰۰۰۱	مادی
۳۲	۵۵/۳	-۲۳/۳				ذهنی
۶۸	۵۵/۳	۱۲/۷				رابطه‌ای
۱۰	۵۵/۳	-۴۵/۳				رفتاری
۳۷	۵۵/۳	-۱۸/۳				بیانی
۸	۵۵/۳	-۴۷/۳				وجودی
۳۳۲						مجموع

بر اساس نتایج آزمون جدول می‌توان گفت با توجه میزان پی ۰/۰۰۰۱ فرض صفر آزمون رد می‌شود و با توجه به رد فرض صفر با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که تفاوت فرایندهای این اثر با همدیگر معنادار است و تصادفی نیست.

همان‌گونه که آمار و ارقام این جدول نشان می‌دهد، بیشترین فرایندهای داستان رستم و اسفندیار به فرایندهای مادی متعلق است (۵۳/۳۱ درصد). فرایندهای مادی، ماهیتاً بر کنش و حرکت دلالت و یا کار و یا شکل‌گیری رخدادی را نشان می‌دهد. از آنجا که حماسه و رزم با کنش و تکاپو همراه است، این افعال بخوبی می‌تواند تحرکات و کنشهای متقابل را در عرصه رزم نمایندگی کند. آنچه در مورد افعال مادی این پیکره، قابل تأمل است، وجود فعلهای گذرای چند ارزشی است؛ این فعلها، که علاوه برکنشگر به مشارکان دیگری همچون هدف نیاز دارد، در واقع نشاندهنده صحنه‌های فعل و انفعال، و این دقیقاً همان کیفیتی است که شاعر حماسه‌سرا در توصیف میدانهای رزم، سخت بدان نیازمند است. افزون بر این، وقتی فرایندهای بیانی (۱۱/۱۴ درصد) و



تحلیل مقایسه‌ای ساخت گذرایی در منظومه عاشقانه «ویس و رامین» با منظومه حماسی «رستم»...

فرایندهای رفتاری (۳/۰۱ درصد) را، که از فرایندهای فرعی است و ویژگیهای فعلهای مادی را ذاتاً در معنای خود دارد، در کنار فرایندهای اصلی مادی بگنجانیم با آماری حدود ۶۷/۴۶ درصد روبه‌رو خواهیم شد که زمینه‌ساز فضایی پویا و متحرک است؛ نکته‌ای که بی‌گمان از دید فردوسی دور نمانده است؛ این بدان معناست که شاعر توس، فرایندهایی را برای اثر خود برگزیده است که بیانگر فعل و انفعال بیشتری است تا این کنشها و تحرکات را تحقق بخشد.

فرایندهای رابطه‌ای با ۲۰/۴۸٪، دومین فرایند پربسامد در پیکره «رستم و اسفندیار» است. بسامد بندهایی با فرایند رابطه‌ای شناسایی نظیر «جوانی که نوش آذرش بود نام»، تنها ۹ مورد است (۱۳٪/۲۳ از رابطه‌ای‌ها) در حالی که از ۶۸ فرایند رابطه‌ای این پیکره ۵۹ مورد (۸۶٪/۷۶ از رابطه‌ای‌ها) به فرایندهای رابطه‌ای شاخصی اختصاص دارد. بر اساس این آمار، آنچه از دید شاعر توس، پس از کنش و تکاپو اهمیت دارد، ساختار وصف است. شاعر با این توصیفات اسنادی ساده تلاش می‌کند تا بخشی از بافت موقعیت را به تصویر بکشد و میدان رزم و شخصیت‌های داستانی را پیش روی مخاطبان ملموس سازد.

همان گونه که می‌دانیم رجزخوانی بخشی از شیوه رزمی جنگجویان برای درهم شکستن روحیه دشمنان بوده است. فلاح (۱۳۸۵) رجزخوانی پهلوانان را از بخشهای برجسته داستانسرایی حماسی بویژه در بخش حماسی شاهنامه می‌داند و برای آن کارکردهایی همچون برکشیدن پهلوانان خودی، تحقیر حریف، تهدید دشمن، تشجیع نیروهای خودی، قائل است. در تعدادی از ابیات این داستان نیز اسفندیار، سعی در تحقیر و تهدید رستم می‌کند. بی شک، این انتخاب فرایندهای بیانی است که زمینه و بستر مناسبی را برای این رجز خوانیها فراهم می‌سازد. فرایند بیانی سومین فرایند پربسامد این پیکره است.

در جدول ذیل نیز نتایج آزمون آماری کای اسکوتر برای بررسی تفاوت معنادار فرایندها در دو منظومه «ویس و رامین» و «رستم و اسفندیار» آمده است:

۱۲۵

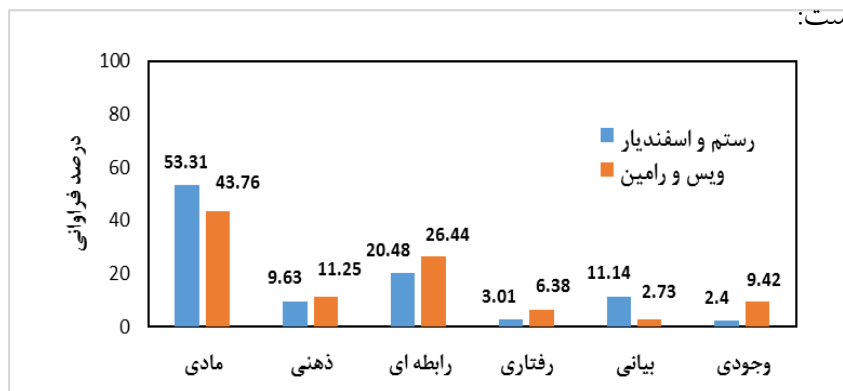


فصلنامه پژوهشهای ادبی سال ۱۷، شماره ۶۸، تابستان ۱۳۹۹

جدول (۵) نتایج آزمون کای اسکوتر - مقایسه فرایندها در دو منظومه «ویس و رامین» و «رستم و اسفندیار»

پی مقدار	درجه آزادی	آماره	فراوانی مورد انتظار			فراوانی مشاهده شده			فرایندها
			مجموع	رستم و اسفندیار	ویس و رامین	مجموع	رستم و اسفندیار	ویس و رامین	
۰/۰۰۰۱	۵	۴۰/۵۸	۳۲۱	۱۶۱/۲	۱۵۹/۸	۳۲۱	۱۷۷	۱۴۴	مادی
			۶۹	۳۴/۷	۳۴/۳	۶۹	۳۲	۳۷	ذهنی
			۱۵۵	۷۷/۹	۷۷/۱	۱۵۵	۶۸	۸۷	رابطه‌ای
			۳۱	۱۵/۶	۱۵/۴	۳۱	۱۰	۲۱	رفتاری
			۴۶	۲۳/۱	۲۲/۹	۴۶	۳۷	۹	بیانی
			۳۹	۱۹/۶	۱۹/۴	۳۹	۸	۳۱	وجودی
			۶۶۱	۳۳۲	۳۲۹	۶۶۱	۳۳۲	۳۲۹	مجموع

با توجه به اینکه نوع فرایندها و نوع اثر، متغیر اسمی به شمار می‌رود، باید برای مقایسه فرایندهای دو اثر با همدیگر از آزمون آماری مقایسه‌ای اسمی استفاده کرد؛ از همین رو با توجه به متغیرهای اسمی، حجم زیاد فراوانی و مقایسه دو گروه با همدیگر باید از آزمون کای اسکوتر استقلال استفاده کرد. بر اساس نتایج آزمون از جدول می‌توان گفت با توجه میزان پی ۰/۰۰۰۱ فرض صفر آزمون رد می‌شود و با توجه به رد فرض صفر با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که تفاوت‌های فرایندهای دو اثر با همدیگر، معنادار است و تصادفی نیست. مقایسه درصد فراوانی فرایندهای دو اثر در نمودار (۱) آمده است:



نمودار (۱) مقایسه درصد فراوانی فرایندها در دو پیکره «ویس و رامین» و «رستم و اسفندیار» ملاحظه می‌شود در هر دو اثر، فرایندهای مادی بیشترین بسامد را دارد؛ اما واقعیت

تحلیل مقایسه‌ای ساخت گذرایی در منظومه عاشقانه «ویس و رامین» با منظومه حماسی «رستم»...

این است که بین میزان فرایندهای مادی دو پیکره، تفاوت معناداری هست. بسامد بیشتر فرایندهای مادی در داستان رستم و اسفندیار، تصادفی نیست و این حجم از این نوع فرایند به روح حماسی و پر از جنبش و تکاپوی اثر برمی‌گردد. فرایندهای رابطه‌ای، که هم برای وصف محسوسات و هم برای وصف حالات درونی کاربرد دارد در هر دو اثر در مرتبه دوم فراوانی قرار دارد. فضای عاشقانه و احساسی داستان ویس و رامین، باعث بسامد بیشتر فرایندهای رفتاری و ذهنی در این پیکره نسبت به داستان رستم و اسفندیار شده است. با توجه به رجزخوانی و گفتگوهای قهرمانان، فرایند بیانی، بسامد بیشتری در داستان رستم و اسفندیار دارد. فرایندهای وجودی، که از بود و نبود چیزی حکایت می‌کند و از پویایی بی‌بهره است در داستان ویس و رامین نسبت به داستان رستم و اسفندیار پر تکرارتر است.

۲-۴ بررسی مشارکان

همان گونه که پیشتر اشاره شد، مشارکان به همراه فرایندها و افزوده‌های حاشیه‌ای، سه عامل فرانقش تجربی را تشکیل می‌دهد. در این بخش به تحلیل و مقایسه مشارکان دو اثر پرداخته می‌شود که در تحقق فرایندها سهمی انکارنشده دارد.

جدول (۶) فراوانی و درصد فراوانی مشارکان در دو پیکره «ویس و رامین» و «رستم و اسفندیار»

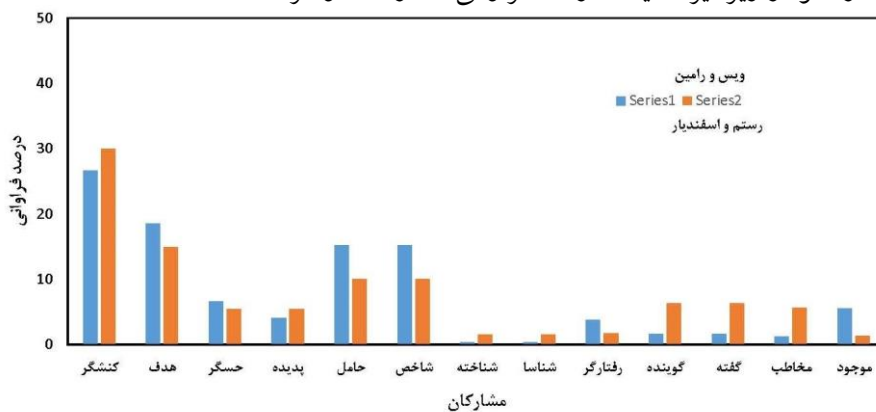
نوع مشارک	ویس و رامین		رستم و اسفندیار	
	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی
کنشگر	۱۴۴	۲۵/۶۶	۱۷۷	۳۰
هدف	۱۰۴	۱۸/۵۳	۸۸	۱۴/۹۱
حسگر	۳۷	۶/۵۹	۳۲	۵/۴۲
پدیده	۲۳	۴/۰۹	۳۲	۵/۴۲
حامل	۸۵	۱۵/۱۵	۵۹	۱۰
شاخص	۸۵	۱۵/۱۵	۵۹	۱۰
شناخته	۲	۰/۳۵	۹	۱/۵۲
شناسا	۲	۰/۳۵	۹	۱/۵۲
رفتارگر	۲۱	۳/۷۴	۱۰	۱/۶۹
گوینده	۹	۱/۶	۳۷	۶/۲۷
گفته	۹	۱/۶	۳۷	۶/۲۷
مخاطب	۷	۱/۲۵	۳۳	۵/۵۹
موجود	۳۱	۵/۵۲	۸	۱/۳۵



جدول (۷) نتایج آزمون کای اسکوتر - مقایسه مشارکان دو اثر با همدیگر

آماره	درجه‌ی آزادی	بی مقدار	فراوانی مشاهده شده			فراوانی مورد انتظار			مشارکان
			مجموع	ویس و رامین	رستم و اسفندیار	مجموع	ویس و رامین	رستم و اسفندیار	
۰/۰۰۰۱	۱۲	۹۲/۵۴۴	۳۲۱	۱۶۴/۸	۱۵۶/۲	۳۲۱	۱۱۷	۱۴۴	کنشگر
			۱۹۲	۹۸/۶	۹۳/۴	۱۹۲	۸۸	۱۰۴	هدف
			۶۹	۳۵/۴	۳۳/۶	۶۹	۳۲	۳۷	حسگر
			۵۵	۲۸/۲	۲۶/۸	۵۵	۲۲	۲۳	پدیده
			۱۴۴	۷۳/۹	۷۰/۱	۱۴۴	۵۹	۸۵	حامل
			۱۴۴	۷۳/۹	۷۰/۱	۱۴۴	۵۹	۸۵	شاخص
			۱۱	۵/۶	۵/۴	۱۱	۹	۲	شناخته
			۱۱	۵/۶	۵/۴	۱۱	۹	۲	شناسا
			۳۱	۱۵/۹	۱۵/۱	۳۱	۱۰	۲۱	رفتارگر
			۴۶	۲۳/۶	۲۲/۴	۴۶	۳۷	۹	گوینده
			۴۶	۲۳/۶	۲۲/۴	۴۶	۳۷	۹	گفته
			۴۰	۲۰/۵	۱۹/۵	۴۰	۳۳	۷	مخاطب
			۳۹	۲۰	۱۹	۳۹	۸	۳۱	سرمود
۱۱۴۹	۵۹۰	۵۵۹	۱۱۴۹	۵۹۰	۵۵۹	مجموع			

با توجه به اینکه نوع مشارکان و نوع اثر، متغیر اسمی به شمار می‌رود، باید برای مقایسه مشارکان دو اثر با همدیگر از آزمون آماری مقایسه‌ای اسمی استفاده کرد. از همین رو با توجه به متغیرهای اسمی، حجم زیاد فراوانی و مقایسه دو گروه با همدیگر باید از آزمون کای اسکوتر استقلال استفاده کرد. بر اساس نتایج آزمون جدول می‌توان گفت با توجه میزان پی ۰/۰۰۰۱ فرض صفر آزمون رد می‌شود و با توجه به رد فرض صفر با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که تفاوت‌های مشارکان دو اثر با همدیگر معنادار است و تصادفی نیست. در نمودار زیر نیز مقایسه درصد فراوانی مشارکان دو اثر آمده است:



نمودار (۲). نمودار مقایسه‌ای درصد فراوانی مشارکان در دو پیکره رستم و اسفندیار و ویس و رامین



تحلیل مقایسه‌ای ساخت گذرایی در منظومه عاشقانه «ویس و رامین» با منظومه حماسی «رستم»...

تعداد بیشتر کنشگران در پیکره شاهنامه (۳۱٪/۷) در مقایسه با کنشگران پیکره ویس و رامین (۲۶٪/۰۸) از تحرک و پویایی بیشتر در پیکره شاهنامه حکایت می‌کند. این کنشگران فعال یا به همراه فعلهای گذرا به صورت آشکار می‌آید و یا در فرایندهای مجهول پنهان است.

وجود ۸۸ مشارک هدف بین ۱۶۹ فرایند مادی رستم و اسفندیار، نشان می‌دهد که همراه حدود نیمی از این فرایندها علاوه بر کنشگر فعال، مشارک دیگری هست که فرایند بر آن تحمیل شده است. مشارک هدف، غیرفعال و منفعل است و حضور کمرنگ آن (۷۹/۱۵ درصد) با اثری همچون شاهنامه همخوانی دارد که در آن حرکت و جنبش موج می‌زند در حالی که مشارک مشابه در ویس و رامین درصد بیشتری (۸۴/۱۸ درصد) را به خود اختصاص داده است که این مهم نیز با روح احساسی حاکم بر داستانهای عاشقانه هماهنگی بیشتری دارد.

تامپسون هم چنین معتقد است فرایندهای بیانی نظیر «گفتن» چیزی، عمل فیزیکی است که منعکس‌کننده عملیات ذهنی است و در بیشتر موارد فرایندی بیانی نظیر «گفت» و «تشکرکرد» را براحتی می‌توان در مجموعه‌ای از فرایندهای مادی قرار داد (تامپسون ۲۰۱۴، ۱۰۶). وی هم چنین باور دارد که فرایندهایی رفتاری نظیر «گوش‌دادن» از هر دو جنبه ذهنی و مادی برخوردار است (همان، ۲۰۱۴، ۱۱۰)؛ این بدان معناست که گرایش این نوع فعلها به فرایندهای مادی همچنان قوی است. بنابراین رفتارگر و گوینده، که تنها در قسمت نهادی بندهای رفتاری و بیانی قرار می‌گیرند از ویژگی حرکت و تکاپو برخوردارند و همچنان مشارکی فعال به شمار می‌روند. از افزودن این مشارکان رفتارگر (۷۹/۱ درصد) و گوینده (۶۲/۶ درصد) در پیکره شاهنامه و نیز مشارکان رفتارگر (۸۰/۳ درصد) و گوینده (۶۳/۱ درصد) در پیکره ویس و رامین به کنشگران هر پیکره به نتیجه قابل توجه دیگری دست می‌یابیم و آن، این است که مجموعه مشارکان فعال کنشگر، رفتارگر و گوینده در شاهنامه (۴۰/۱۳ درصد) است در حالی که در پیکره ویس و رامین مجموع مشارکان مشابه (۳۱/۵ درصد) است که این تفاوت نیز در خور توجه است.

مجموع مشارکان حسگر با ۵/۷۴٪، حامل با ۱۰/۵۹٪، شناخته (۱/۶۱) و موجود با ۱/۴۳٪ در پیکره شاهنامه ۱۹/۳۷٪ است در صورتی که مجموع مشارکان حسگر ۶/۷٪، حامل ۱۵/۳۹٪، شناخته ۰/۳۶٪ و موجود ۵/۶۱٪ در پیکره ویس و رامین ۲۸/۰۶٪ است. این

مشارکان حسگر، حامل، شناخته و موجود در قسمت نهادی بندها قرار می‌گیرند و کمترین میزان حرکت و تکاپو را دارند. این مقایسه از تفاوت ۸/۶۹ درصدی این دو اثر حکایت می‌کند. این موضوع را شاید بتوان این گونه تفسیر کرد که تحرک و پویایی در منظومه عاشقانه ویس و رامین از منظومه حماسی شاهنامه کمتر است.

۳-۴ بررسی ژرف‌ساختی بندها در «ویس و رامین» و «رستم و اسفندیار»

هلیدی بر این باور است که هرگاه فرایند ذهنی را به شکل فرایند مادی درآوریم با استعاره‌های دستوری روبه‌رو هستیم (هلیدی، ۱۹۸۵: ۳۲۱ و ۳۲۲، به نقل از مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۲۲۰). به نظر می‌رسد در این پیکره منتخب از ویس و رامین، بخشی از فرایندهای مادی برای گسترش فرایندهای ذهنی عمل کرده است. با بررسیهای دقیق مفهومی در می‌یابیم که از مجموع ۱۴۴ فرایند مادی، ۴۰ مورد از فعلها، اگرچه روساختی مادی دارد، هنگام همشینی با دیگر عناصر بند، معنایی استعاری به خود می‌گیرد؛ این بدان معناست که در بندهایی نظیر «میان خاک و خاکستر نشسته/شخوده لاله و سنبل گسسته» هر سه فرایند بر مفهوم بیتابی و ناراحتی دلالت می‌کند که فرایندی ذهنی است. آشکارا می‌توان دریافت که شاعر، دغدغه‌های درونی و ذهنی خود را هنگامی که از راه زبان به مخاطب منتقل می‌کند با فرایندهای مادی، رمزگذاری می‌کند تا مخاطب بتواند عواطف و دلمشغولیهای شخصیت‌های داستان را بهتر و ملموس‌تر درک کند. به نظر نگارنده این سطور، سیطره فرایندهای ذهنی، تنها بر فرایندهای مادی نیست بلکه ما شاهد ۱۵ بند مانند «چنین بود او چه در مرو و چه در راه/ازو خرم نشد روزی شهنشاه» هستیم که در روساخت، فرایند رابطه‌ای است؛ اما آنچه در ژرف‌ساخت از این بندها استنباط می‌شود، فرایندی ذهنی است. هم چنین با توجه به آنچه در توصیف دسته‌های چهارگانه فرایندهای رفتاری آمد، در می‌یابیم که ۱۵ مورد از افعال رفتاری در این پیکره از نظر معنایی به فرایندهای ذهنی نزدیک است؛ نظیر «نالید» در این نمونه «دو دست خویش بر دیده بمالید/ ز شرم مردمان دیگر ننالید». این فرایند رفتاری «نالید» در عین حال که کنشی را نشان می‌دهد، احساسات درونی یکی از عاملان داستان را نیز بازتاب می‌دهد.

با تأمل در ابیات «ویس و رامین» در می‌یابیم که در مجموع ۷۰ فرایند مادی، رابطه‌ای و رفتاری در گستره بند، مفهوم ذهنی- استعاری دارد. نسبت این ۷۰ فرایند با

تحلیل مقایسه‌ای ساخت‌گذرایی در منظومه عاشقانه «ویس و رامین» با منظومه حماسی «رستم»...

مفهوم ذهنی-استعاره‌ای به کل فرایندها (۳۲۹ فرایند)، ۲۱/۲۷٪ است؛ این بدان معناست که این بندها صرف‌نظر از نوع ظاهری فرایند آنها، همگی در ژرف‌ساخت خود آلام و عواطف درونی شخصیت‌های داستان را منعکس می‌کند. با توجه به این واقعیت، که سبک خراسانی، برونگرا و توصیفگر جهان واقع است و اساساً به دنیای درون کمتر می‌پردازد، این آمار می‌تواند نشان دهد که چگونه نوع ادبی غنایی و عاشقانه بر برخی از فرایندها سایه می‌اندازد که علی‌الظاهر، می‌تواند در خدمت جهان آفاقی باشد تا این فرایندها بتواند در بافت درونی بند و در ژرف‌ساخت، انعکاس‌دهنده دنیای ذهنی شاعر و یا شرکت‌کنندگان داستان باشد. حال اگر ۳۷ فرایند ذهنی صرف را نیز بر آنها بیفزاییم به عدد ۱۰۷ دست می‌یابیم. نسبت این عدد به کل فرایندهای ششگانه (۳۲۹ مورد)، رابطه ۳۲/۵۳٪ است؛ به عبارت دیگر مجموع فرایندهای ذهنی صرف و فرایندهایی با مفهوم استعاره‌ای-ذهنی حدود یک سوم از بندهای ششگانه را به خود اختصاص داده که بخوبی توانسته است دغدغه‌ها، دلمشغولیه‌ها و عواطف عاملان داستان را به نمایش بگذارد.

دقت در ابیات «رستم و اسفندیار» نشان می‌دهد که تنها ۹ فرایند (۲/۷٪) از مجموع فرایندها، مفهوم ذهنی-استعاره‌ای دارد که در مقام مقایسه با «ویس و رامین» درصد قابل ملاحظه‌ای نیست. مقایسه همخوانی روساخت و ژرف‌ساخت فرایندها در دو اثر بیانگر این واقعیت است که تطابق روساخت و ژرف‌ساخت فرایندها از نظر مفهومی در اثر غنایی «ویس و رامین» بسیار کمتر است که نشان از تسلط فرایند ذهنی بر برخی از فرایندهای دیگر در این اثر دارد.

۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله کوشش شده است بر مبنای روش تحلیل‌گذرایی از دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی به بررسی دو نوع ادبی حماسی و غنایی پردازیم. فرایندها و مشارکان در دو داستان ویس و رامین به عنوان پیکره ادبی غنایی و برشهایی از داستان رستم و اسفندیار برای پیکره ادبی حماسی با هم مقایسه شده؛ اما فرایندها علاوه بر معنای روساختی از حیث مفهوم ژرف‌ساختی نیز ارزیابی شده است.

نتایج بررسی روساختی فرایندها در «ویس و رامین» و «رستم و اسفندیار»: همان گونه که فضائلی و ابراهیمی (۱۳۹۳) به بسامد زیاد فرایند مادی در هفت خوان رستم اشاره



کرده‌اند در داستان رستم و اسفندیار نیز این فرایندها، بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است. کاربرد فراوان فرایندهای مادی در داستان رستم و اسفندیار را باید ناشی از دو علت دانست: اولین دلیل اینکه داستان بافت حماسی دارد و جنگاوری، ویژگی برجسته این نوع ادبی است. کنش‌بنیاد بودن این داستان، فرایندهای مادی و فرایندهای نیمه مادی (فرایندهای رفتاری و بیانی) بسیاری می‌طلبد. این فرایندهای مادی و فرایندهای فرعی آن، فضایی پویا و متحرک همسو با عرصه رزم و جنگ فراهم می‌سازد. این دستاورد با یافته فرهنگی (۱۳۸۵) نیز همسویی دارد. وی معتقد است هر گاه فرایندهای رفتاری و بیانی را به فرایندهای مادی بیفزاییم، شاهد فضایی متحرک و پویا خواهیم بود. دومین دلیل این بسامد زیاد را باید نتیجه توصیف‌گرایی دانست که فردوسی از وقایع و اتفاقات می‌کند. ماهیت این حوادث و توصیف حالات جنگی و رفتار فیزیکی پهلوانانی همچون رستم، اسفندیار، زواره و ... به گونه‌ای است که شاعر بزرگ توس از فعلهای مادی و ملموس بهره گرفته است تا خوانندگان حوادث و رخدادها را بهتر و عینی‌تر درک کنند. هر چند فرایندهای مادی بخش قابل توجهی از فرایندهای داستان ویس و رامین را به خود اختصاص داده که آن هم ناشی از توجه شاعران سبک خراسانی به محسوسات است در مقابل، حاکمیت فرایندهای رابطه‌ای، وجودی و ذهنی بر این شعر عاشقانه، فضایی ساکن و بی‌حرکت، می‌آفریند.

بررسی مشارکان: بررسی مشارکان دو اثر نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان حسگر، حامل، شناخته و موجود در داستان ویس و رامین نسبت به مشارکان مشابه در داستان رستم و اسفندیار بسامد بیشتری دارد. این مشارکان غیرفعال، تحرک و پویایی را از اثر دور کرده‌اند تا فضای متن با روح داستان عاشقانه منطبق‌تر باشد؛ این در حالی است که به دلیل کنش‌بنیاد بودن داستان و رفتار فیزیکی بسیار، که در بخشهای مختلف رزم از سوی پهلوانان رخ داده است، شرکت‌کنندگان فعال کنشگر، رفتارگر و گوینده در داستان رستم و اسفندیار نسبت به اثر ویس و رامین بسامد بیشتری دارند. این مشارکان فعال، که فرایندها را عینیت می‌بخشند، نشان می‌دهند که بافت موقعیتی اثر پر از تکاپو و جنبش بوده است.

بررسی ژرف‌ساختی فرایندها در «ویس و رامین» و «رستم و اسفندیار»: بررسیهای دقیق معنایی فرایندها در ساختار بند نشان می‌دهد که در ویس و رامین، جدا از

تحلیل مقایسه‌ای ساخت گذرایی در منظومه عاشقانه «ویس و رامین» با منظومه حماسی «رستم»...

فرایندهای ذهنی صرف، ۲۱/۲۷٪ از فرایندهای مادی، رفتاری و رابطه‌ای، مفهوم ذهنی - استعاره‌ای دارد در حالی که در شاهنامه، میزان فرایندهایی که دارای چنین ویژگی باشد، ۲/۷٪ است. مقایسه میزان همخوانی روساخت و ژرف‌ساخت فرایندها از نظر معنایی در دو اثر بیانگر این است که مطابقت معنایی روساخت و ژرف‌ساخت فرایندها در اثر غنایی «ویس و رامین» بسیار کمتر است و این، نشان از تسلط فرایند ذهنی بر برخی از فرایندهای دیگر در این منظومه دارد. داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه نوع ادبی غنایی و عاشقانه می‌تواند بر فعلهایی که تصویرگر جهان بیرون است، سایه اندازد تا آن فرایندها بتواند در ژرف‌ساخت، انعکاس‌دهنده تجربیات درونی شاعر و یا شخصیت‌های داستان باشد. پذیرش این یافته به عنوان ویژگی سبکی نیازمند بررسی و تحلیل متون بیشتر، آن هم در قالب پیکره‌هایی وسیعتر بر اساس این رویکرد است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بررسی متون بر اساس فرانقش تجربی از دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، می‌تواند دستاوردهایی برای شناخت دنیای تجربی آفرینندگان آثار ادبی و علمی داشته باشد. هر چند این معیار به تنهایی نمی‌تواند ما را به شناخت همه جانبه یک اثر ادبی راهنمایی کند به کمک این رهیافت در کنار معیارهای دیگری همچون نقد مبتنی بر جامعه‌شناسی و یا نقد بر مبنای روانشناسی، می‌توان گامی دیگر در جهت تفسیر آثار ادبی برداشت و پژوهشگران را در حوزه نقد و تحلیل دنیای درونی شاعران و نویسندگان یاری رساند.

پی‌نوشتها

- | | |
|--------------------------------------|---------------------------------|
| 1. formal linguistics | 2. functional linguistics |
| 3. Systemic functional grammar model | 4. Halliday |
| 5. experiential metafunction | 6. process |
| 7. verbal | 8. material |
| 9. Discourse | 10. Choura |
| 11. behavioral | 12. existential |
| 13. relational | 14. Caffarel & Martin |
| 15. transitivity | 16. mental |
| 17. context of metaculture | 18. context of culture |
| 19. context of situation | 20. systemic functional grammar |
| 21. field | 22. tenor |
| 23. mode | 24. semantics |
| 25. conceptualization | 26. textual metafunction |
| 27. interpersonal metafunction | 28. clause |
| 29. Thompson | 30. participant |

31. circumstantial adjuncts	32. physical action
33. abstract action	34. actor
35. logical subject	36. target
37. Senser	38. Phenomenon
39. attributive	40. identifying
41. attribute	42. carrier
43. identifier	44. identified
45. sayer	46. verbiage
47. receiver	48. behavior
49. existent	50. beneficiary
51. range	

۵۲. در تعریف مشارک بهره‌ور آمده است: بهره‌ور کسی یا چیزی است که فرایند به نفع او رخ می‌دهد و در فرایندهای مادی و بیانی می‌آید. با توجه به این تعریف، بهره‌ور در فرایند بیانی همان مخاطب یا گیرنده پیام است که مشارکی اصلی به شمار می‌رود. ضمناً تعریف مشارک فرعی دیگر یعنی بُرد چنین است: این مشارک در فرایندهای مادی، رفتاری و کلامی می‌آید و حوزه و دامنه فرایند را نشان می‌دهد؛ مثلاً در نمونه «دیروز از کوه دماوند بالا رفتیم»، گروه حرف اضافه‌ای «از کوه دماوند» ضمن اینکه مشارک فرعی بُرد است، می‌تواند با افزودن حاشیه‌ای حد و اندازه و یا مکان همپوشانی داشته باشد.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس؛ عالیه کرد زعفرانلو و حسین رضویان؛ «سبک‌شناسی داستان براساس فعل؛ رویکرد نقشگرا»؛ *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*؛ س ۴، ش ۱۱، ۱۳۹۰؛ ص ۲۴۳-۲۵۴.
- ابوالحسنی، زهرا، میرمالک‌ثانی مریم‌السادات؛ «بررسی کتابهای دانشگاهی بر اساس نظریه نقشگرای نظام‌مند هلیدی و مقایسه آن با متون همسان غیردرسی (معرفی یک پایان‌نامه)». *سخن سمت*؛ ش ۲۰، ۱۳۸۷؛ ص ۱۲۹-۱۴۳.
- اسعد گرگانی، فخرالدین؛ *ویس و رامین*. به تصحیح ماگالی تودا و الکساندر گواخاریا؛ تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
- امیرخانلو، معصومه؛ «سبک‌شناسی غزلیات حافظ بر اساس فعل، رویکرد نقشگرا»؛ *ادب فارسی*؛ س ۵، ش ۲، پیاپی ۱۶، ۱۳۹۴؛ ص ۱۶۹-۱۷۵.
- ایران‌زاده، نعمت‌الله، مرادی، کبری؛ «یادداشت‌های درد جاودانگی» قیصر امین‌پور بر اساس نظریه نقشگرایی هلیدی؛ *متن‌پژوهی ادبی*؛ دوره ۹، ش ۶۵، ۱۳۹۴؛ ص ۷-۲۲.

————— تحلیل مقایسه‌ای ساخت گذرایی در منظومه عاشقانه «ویس و رامین» با منظومه حماسی «رستم»...

ایشانی، طاهره، نظیف، نرگس؛ «بررسی و تحلیل سبک‌شناختی فعل در غزل‌های تعلیمی سعدی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»؛ پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی (پژوهش‌نامه زبان و ادبیات فارسی)؛ دوره ۷، ش ۲۵، ۱۳۹۴؛ ص ۸۵-۱۰۸
دبیرمقدم، محمد؛ *زبان‌شناسی نظری، پیدایش و تکوین دستور زایشی*؛ چ سوم، انتشارات سمت: تهران، ۱۳۹۶.

شعار، جعفر، حسن، انوری؛ *رزم‌نامه رستم و اسفندیار*؛ چ دوم، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۳.
صمدیانی، غلامرضا؛ «بررسی تجربه‌های عرفانی در تمهیدات بر اساس فعل با تأکید بر رویکرد نقش‌گرا»؛ ادب و زبان؛ دوره ۱۸، ش ۳۷، ۱۳۹۵؛ ص ۱۶۷-۱۸۷.
فرهنگی، سهیلا؛ «تحلیل گفتمانی شعر «پیغام ماهیها» از سهراب سپهری»؛ پژوهش زبان و ادبیات فارسی؛ ش ۶، ۱۳۸۵؛ ص ۸۴-۶۹.

فضائلی، مریم، ابراهیمی، شیما؛ «تحلیل سبک‌شناختی داستان هفت خوان رستم شاهنامه در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی»؛ مطالعات زبانها و گویشهای غرب ایران؛ دوره ۱، ش ۴، ۱۳۹۳؛ ص ۱۱۹-۱۴۲.

فلاح، غلامعلی؛ «رجزخوانی در شاهنامه»؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی؛ س ۱۴، ش ۵۴ و ۵۵، ۱۳۸۵؛ ص ۱۰۸-۱۲۹.

مشهور، پروین‌دخت، فقیری، محمد؛ «بررسی انواع فرایندهای نقش‌اندیشگانی در غزلیات سعدی (با رویکردی شناختی)»؛ پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ ش ۲۵، ۱۳۹۴؛ ص ۱۵۳-۱۶۸.

منشی‌زاده، مجتبی، الهیان، لیلا؛ «بررسی سبک‌شناختی فعل در گلستان: متأثر از حوزه تعلیمی آن با رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند»؛ دو ماهنامه جستارهای زبانی؛ دوره ۶، ش ۶، ۱۳۹۴؛ ص ۲۵۹-۲۷۹.

مهاجر، مهران و محمد نبوی؛ *به سوی زبان‌شناسی شعر*؛ تهران: آگه، ۱۳۹۳.
مهرابی، معصومه، ذاکر، آرمان؛ «تحلیل سبک‌شناختی چند حکایت گلستان در پرتو دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی»؛ جستارهای زبانی؛ دوره ۷، ش ۱ (پیاپی ۲۹)، ۱۳۹۵؛ ص ۱۷۳-۱۹۶.

نظرزاده، شقایق؛ «بررسی عاملیت زنان از نگاه گفتمان‌های سیاسی دهه ۸۰، تحلیل ساخت گذرایی»؛ مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی؛ تهران: نویسه، ۱۳۹۱، ص ۳۲۹-۳۵۰.

-
- Caffarel, A., Martin, J. R., & Matthiessen, C. M. (Eds.). (2004). *Language typology: A functional perspective* (Vol. 253). John Benjamins Publishing.
- Choura, S. Ditransitive Complementation in Medical Research Articles.
- Halliday, M. A., & Hasan, R. (1989). *Language, context, and text: Aspects of language in a social-semiotic perspective*.
- Halliday, M. A. K., Matthiessen, C., & Halliday, M. (2014). *An introduction to functional grammar*. Routledge.
- Halliday, M. A. K., & Matthiessen, C. (2004). *An introduction to functional grammar*. Arnold. A member of the Hodder Headline Group, 338.
- Thompson, G. (2014). *Introducing functional grammar*. Routledge

